

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیم‌سال دوم تحصیلی ۹۵-۹۴
پایه چهارم ورودی بهمن

مهر مدرسه

کد آزمون: ۲۹۴۲/۰۹
تاریخ: ۱۳۹۵/۰۳/۰۹
عنوان: نحو عالی ۳
کتاب: مبادی العربية
موضوع: جلد چهارم: از ابتدای مبحث استغاثه تا پایان منصوبات (ص ۲۹۸-۲۱۳)

ردیف:		
نام و نام خانوادگی: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	مست: ۹۰ دقیقه
شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلایی: مدرسه علی: شهرستان: استان:

۱- حذف کدام یک از اجزاء «جمله استغاثه» صحیح است؟ ص ۲۱۳

- الف. مستغاث له و حرف نداء
- ب. مستغاث و حرف نداء
- ج. فقط مستغاث له
- د. فقط مستغاث

۲- حذف «فی» و نصب «ظرف» در کدام مورد صحیح است؟ ص ۲۲۹ و ۲۳۰

- الف. صَلَّيْتُ وَ زَيْدًا فِي الْمَسْجِدِ.
- ب. قَعَدْتُ فِي مَقَامِ الْأَمِيرِ.
- ج. بَنَيْتُ الْبَيْتَ فِي سَتْتَيْنِ.
- د. أُرْوِرُكَ وَ أَخَاكَ فِي غَدٍ.

۳- در کدام مورد «حال جامد» به مشتق تأویل نمی‌رود؟ ص ۲۴۵ و ۲۴۶

- الف. جَاءَ وَقْتُ الْأَنْسِ أَرْبَعَةَ أَيَّامٍ.
- ب. سِرْتُ مَعَهُ جَنْبًا إِلَى جَنْبٍ.
- ج. بَعَثَهُ الْجَوْحَ ذِرَاعًا بِدِينَارٍ.
- د. أَدْخَلُوا رِجَالًا رِجَالًا.

۴- استعمال صحیح «تمییز عدد» را مشخص کنید. ص ۲۶۰

- الف. اشْتَرَيْتُ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ نَعْجَةً.
- ب. رَأَيْتُ خَمْسَةَ شَجَرَاتٍ.
- ج. قَرَأْتُ ثَلَاثِينَ صَفْحَاتٍ.
- د. نَصَرْنِي مِائَةَ رِجَالٍ.

۵- «من» در کدام مورد «تفضیلیه» می‌باشد؟ ص ۲۷۲

- الف. زَيْدٌ أَعْقَلَ مِنْ أَنْ يَكْذِبَ.
- ب. زَيْدٌ أَخَوْفُ النَّاسِ مِنَ الْعَارِ.
- ج. أَنْتَ الْأَقْرَبُ مِنْ كُلِّ الْخَيْرِ.
- د. كَلَامُكَ أَطْيَبُ مِنَ الْمَاءِ الزَّلَالِ.

۶- نوع و نقش «ذا» در «حَبْدًا» چیست؟ ص ۲۷۹

- الف. اسم اشاره - مضاف إليه
- ب. موصول - مفعول به
- ج. اسم اشاره - فاعل
- د. موصول - فاعل

۷- آیا «ترخیم» در اسماء زیر جایز است؟ چرا؟ ص ۲۲۰ و ۲۲۱ - ۱/۵ نمره

الف) یا علقمة: جواب: آری، زیرا دارای تاء تأنیث می‌باشد.

ب) یا زینب: جواب: آری، زیرا علم غیر مضافی است که بیش از سه حرف دارد.

ج) یا ابا ایتام: جواب: خیر، زیرا مضاف است.

۸- شرائط نصب «مفعول له» را نوشته و یک مثال صحیح بزنید. ص ۲۲۶ - ۱/۵ نمره

جواب: ۱. مصدر منصوب از افعال قلوب باشد. ۲. علیت برای عاملش را برساند. ۳. با عامل خود از جهت وقت مشترک باشد. ۴. با عامل خود از جهت فاعل مشترک باشد. ۵. از جهت لفظ، مخالف عاملش باشد. مانند: لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةَ إِمْلَاقٍ.

۹- عبارت «إِذَا أُضْمِرَ الظَّرْفُ وَجِبَ ذِكْرُ الْحَرْفِ مَعَ ضَمِيرِهِ. لِأَنَّ الْإِضْمَارَ يَرُدُّ الْأَشْيَاءَ إِلَى أُصُولِهَا. فَإِنَّ لَمْ يَذْكُرِ الْحَرْفُ جُعِلَ الضَّمِيرُ مَفْعُولًا بِهِ» را در قالب مثال توضیح دهید. (ترجمه کافی نیست) ص ۲۳۱ - ۲ نمره

جواب: هرگاه ظرف به شکل ضمیر آورده شود یعنی ضمیری در کلام باشد که مرجع آن ظرف باشد، لازم است حرف جرّ «فی» بر ضمیر داخل شود مانند «یوم الجمعة صُمْتُ فِيهِ» زیرا یکی از ویژگی‌های ضمیر آوردن، آن است که هر چیزی را به اصل خود برمی‌گرداند و چون مفعول فیه متضمن حرف جرّ «فی» است لذا اگر به صورت ضمیر آورده شود لازم است حرف «فی» ذکر گردد. اما اگر در جایی حرف جرّ همراه چنین ضمیری ذکر نشود؛ مانند «صُمْتُ» در این صورت ضمیر، مفعول به است نه مفعول فیه.

۱۰- حکم عاطفه بودن «واو» در مثال‌های زیر چیست؟ چرا؟ ص ۲۳۴ و ۲۳۵ - ۱/۵ نمره

الف) تَخَاصُمَ زَيْدٍ وَ عَمْرٍو: جواب: واجب است عاطفه باشد زیرا فعلی که قبل از آن آمده است تنها توسط افراد متعدّد واقع می‌شود.

ب) سَافِرٌ أَخُوکَ وَ الصَّبِيحِ: جواب: عاطفه بودن ممتنع است زیرا ممکن نیست «سَافِرٌ» به «الصَّبِيحِ» نسبت داده شود.

ج) سَلَمْتُ عَلَيْهِ وَ إِخْوَتِهِ: جواب: عاطفه بودن ممتنع است زیرا عطف بر ضمیر مجرور بدون إعادة جارّ جایز نیست.

۱۱- در چه مواردی لازم است رابط جمله حالیه (اسمیه) «واو» باشد؟ برای هر کدام مثال بزنید. ص ۲۴۹ - ۲ نمره

جواب: ۱. زمانی که جمله اسمیه خالی از ضمیری باشد که به ذوالحال برگردد. مانند: سَهَرْتُ وَ النَّاسُ نَائِمُونَ.

۲. زمانی که جمله اسمیه با ضمیر ذوالحال شروع شود. مانند: تَكَلَّمَ الخَطِيبُ وَ هُوَ واقِفٌ.

۱۲- حکم تقدیم «حال» بر «عامل» در مثال‌های زیر چیست؟ چرا؟ ص ۲۵۵ و ۲۵۶ - ۱/۵ نمره

الف) باسماً قَدِمَ الزَّائِرُ: جواب: جایز است. زیرا عامل فعل متصرف است.

ب) وَلِيٌّ مُدْبِرًا: جواب: ممتنع است. زیرا حال مؤکد عاملش است (و مؤکد همیشه بعد از مؤکد می‌آید و بر آن مقدم نمی‌شود).

ج) کیف عاد أخوک؟ جواب: واجب است. زیرا حال از اسماء صدارت طلب است.

۱۳- نقش «کم» را در مثال‌های زیر بنویسید. ص ۲۶۳ تا ۲۶۵ - ۲ نمره

الف) «كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدِدَ سِنِينَ»: جواب: مفعول فیه

ب) كم ديناراً أنفقت في سبيل الله: جواب: مفعول به

ج) «سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةِ بَيْتِنَا»: جواب: مفعول دوم مقدم «آتينا»

د) كم كانت جواريك؟ جواب: خبر «كانت»

۱۴- سه وجه از وجوه ترکیبی «اسم مخصوص» در عبارت «نعم الرجلان أخواک» را بنویسید. ص ۲۷۹ - ۱/۵ نمره

جواب: ۱. مبتدای مؤخر (و جمله «نعم الرجلان» خبر مقدم) ۲. خبر برای مبتدای محذوف ۳. مبتدایی که خبرش حذف شده است. ۴. بدل از فاعل

۱۵- با توجه به عبارت «قد يتعذر البدل على اللفظ لمانع فيبدل المستثنى على المحل» دلیل ممنوعیت را در مثال‌های زیر بنویسید. ص ۲۸۶ - ۱/۵ نمره

الف) ما جاعني من أحدٍ إلّا زيدٌ: جواب: زیرا شرط مجرور «من» زائده این است که مدخولش نکره باشد در حالی که «زيدٌ» معرفه است.

ب) لا رجل في الدار إلا عمرو: جواب: زیرا یکی از شرائط عمل «لا»ی نفی جنس، نکره بودن اسمش می‌باشد لذا نمی‌تواند در «عمرو» عمل کند.

۱۶- نوع «استثناء» و اعراب «مستثنی» را در مثال‌های زیر بنویسید. ص ۲۸۵ تا ۲۸۸ - ۲ نمره

الف) جاء القوم ماعداً أحمد: جواب: متصل - وجوب نصب

ب) عاد الغائبون إلّا دوابهم: جواب: منقطع - وجوب نصب

ج) «و لا يلتفت منكم أحدٌ إلا امرءٌ تك»: جواب: متصل - جواز رفع و نصب

د) لا يعاقب إلا الأشرار: جواب: مفرغ - وجوب رفع